Archive of SID.ir

Biquarterly Journal
of
Iran's Economic Essays
Vol.20, No.40, Autumn & Winter 2023-2024

دوفصلنامهٔ علمی
جستارهای اقتصادی ایران
س ۲۰، ش ۴۰، پاییز و زمستان ۱۴۰۲
صفحات ۲۴۷-۲۷۷

مقاله علمی-پژوهشی

Threshold Effect of Islamization of the Environment on Reducing the Risk of the Banking Sector in Islamic Countries:Panel Smooth Transition Regression (PSTR) Method

Ahmad Ali Rezaei*

Mohammad Saeed Panahi Boroujerdi**

Abstract

The growing importance of Sharia-based financing in banking systems has stimulated scientific research on the factors that shape the way of behavior, how to compete with conventional banks, and how Islamic banks react to various risks and shocks. Based on this, the main goal of this article is to investigate the effect of the Islamic nature of the environment on strengthening and reducing the risk of the banking sector in countries with an Islamic banking system. This article assumes that the stability of Islamic banks is closely related to the Islamic degree of their operating environment. To test this hypothesis, from the data of sixteen selected countries with Islamic banking system including Saudi Arabia, Qatar, Palestine, Pakistan, Oman, Nigeria, Malaysia, Libya, Lebanon, Jordan, Iran, Indonesia, Egypt, Brunei, Bahrain and Afghanistan; It has been used from the first season of 2019 to the third season of 2022. The method of data analysis is based on panel smooth transition regression (PSTR). The findings of the research show that Islamization of the environment in both regimes has had positive effects on increasing banking stability in the studied countries; So that the effectiveness of the second regimen is greater than the first regimen. Based on this, it can be concluded that the Islamization of the environment has been able to exert its positive effects on increasing banking stability, and in order to strengthen this effect, it is necessary to develop the level of compliance of the banks' operating environment with the principles of Sharia.

Key words: Islamic environment, banking risk, banking stability, Islamic banking, soft panel transition regression (PSTR).

Classification JEL: G32 ،G2.

---

* PhD scholar, Islamic Economics, Institute of Higher Education of Islamic Humanities, Al-Mustafa International University, Qom, Iran (Corresponding author), rezai.ahmadali66@gmail.com

** Assistant Professor, Faculty of Economics, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran, sd.panahi@gmail.com.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

دوفصلنامهٔ علمی
جستارهای اقتصادی ایران
س ۲۰، ش ۴۰، پاییز و زمستان ۱۴۰۲
صفحات ۲۴۷-۲۷۷
مقاله علمی- پژوهشی

Biquarterly Journal
of
Iran's Economic Essays
Vol.20, No.40, Autumn & Winter 2023-2024

تأثیر آستانه‌ای اسلامیت محیط بر کاهش ریسک بخش بانکی در کشورهای اسلامی: روش رگرسیون انتقال ملایم تابلویی (PSTR)

احمدعلی رضایی*
محمدسعید پناهی بروجردی**

چکیده

اهمیت فزاینده تأمین مالی مبتنی بر شریعت در سیستم‌های بانکی، تحقیقات علمی را در مورد عوامل شکل‌دهنده نحوه رفتار، نحوه رقابت با بانک‌های معمولی و نحوه واکنش بانک‌های اسلامی به ریسک‌ها و شوک‌های مختلف برانگیخته است. براساس‌این، هدف اصلی مقاله حاضر بررسی تأثیر اسلامی بودن محیط بر مقاوم‌سازی و کاهش ریسک بخش بانکی در کشورهای دارای سیستم بانکداری اسلامی است. این مقاله فرض می‌کند که ثبات بانک‌های اسلامی با درجه اسلامی بودن محیط فعالیت آنها ارتباط تنگاتنگی دارد. برای آزمون این فرضیه، از داده‌های شانزده کشور منتخب دارای سیستم بانکداری اسلامی شامل عربستان، قطر، فلسطین، پاکستان، عمان، نیجریه، مالزی، لیبی، لبنان، اردن، ایران، اندونزی، مصر، برونئی، بحرین و افغانستان؛ طی دوره زمانی فصل اول سال ۲۰۱۹ تا فصل سوم سال ۲۰۲۲ استفاده شده است. روش تجزیه‌وتحلیل داده‌ها مبتنی بر روش رگرسیون انتقال ملایم تابلویی (PSTR) است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد اسلامیت محیط در هر دو رژیم، اثرات مثبت بر افزایش ثبات بانکی در کشورهای موردبررسی داشته است؛ به‌طوری‌که میزان اثرگذاری در رژیم دوم نسبت به رژیم اول بیشتر است. براساس‌این، نتیجه‌گیری می‌شود اسلامیت محیط به صورت ناکامل توانسته اثرات مثبت خود بر افزایش ثبات بخش بانکی را ایفا نماید و به‌منظور تقویت این اثرگذاری نیاز است تا میزان تطابق محیط فعالیت بانک‌ها با اصول شریعت توسعه پیدا کند.

واژگان کلیدی: اسلامیت محیط، ریسک بانکی، ثبات بانکی، بانکداری اسلامی، رگرسیون انتقال ملایم تابلویی (PSTR).

طبقه‌بندی JEL: G2 ، G32

---

* دانش پژوه دکتری، اقتصاد اسلامی، مؤسسه آموزش عالی علوم انسانی اسلامی، دانشگاه بین‌المللی المصطفی، قم، ایران (نویسنده مسئول) rezai.ahmadali66@gmail.com
** استادیار، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران sd.panahi@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۰

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۱. مقدمه

بانکداری متعارف قرن‌ها قدمت دارد و اساساً مبتنی بر قراردادهای بهره بدون ریسک است. درمقابل، بانکداری اسلامی، که به‌عنوان جایگزینی برای مدل مرسوم به نمایش گذاشته می‌شود، به‌دلیل تقاضای مسلمانان برای یک شیوه بانکداری منطبق با شریعت، ظهور کرده است (وستورهاما و همکاران،[1] ۲۰۲۰). شریعت بر مجازبودن جنبه‌های مختلف فعالیت مؤسسات مالی اسلامی براساس دو اصل اساسی حاکم است (سانداراراجان و اریکو،[2] ۲۰۰۲؛ چیاک و هسه،[3] ۲۰۱۰؛ بک و همکاران،[4] ۲۰۱۳ و عبادی و سیلوا،[5] ۲۰۲۰). نخست، بانک‌ها از انجام معاملات ربوی یا ربا، که مستلزم گرفتن سود یا کسب سود است، ممنوع هستند و دوم، شریعت مدل‌های به‌اشتراک‌گذاری ریسک را ترویج می‌کند که به‌موجب آن، طرفین معامله، نتایج سود یا زیان را به اشتراک می‌گذارند.

اهمیت فزاینده تأمین مالی مبتنی بر شریعت در سیستم‌های بانکی دوگانه، تحقیقات علمی را در مورد عوامل شکل‌دهنده نحوه رفتار، نحوه رقابت با بانک‌های معمولی و نحوه واکنش بانک‌های اسلامی به ریسک‌ها و شوک‌های مختلف برانگیخته است (بیطار و همکاران،[6] ۲۰۲۰)؛ درحالی‌که یک جریان تحقیقاتی (مانند چیاک و هسه،[7] ۲۰۱۰؛ عبدالله و قاسم،[8] ۲۰۱۲؛ عابدی فر و همکاران،[9] ۲۰۱۳ و القحطانی و همکاران،[10] ۲۰۱۶) تأثیر عوامل خاص بانکی را تجزیه‌وتحلیل می‌کنند، جریان دیگری نقش ایفاشده توسط عوامل محیطی بانک مانند تنظیمات سازمانی (مولاه و زمان،[11] ۲۰۱۵) و خطرات محیطی (الشبول و همکاران،[12] ۲۰۲۰) را مدنظر قرار داده‌اند. باوجوداین، نتایج تحقیقات آنها به مطرح‌شدن این ایده منجر شده است که عملکرد و

1. Wasiaturrahma et al.
2. Sundararajan and Errico
3. Cihák and Hesse
4. Beck et al
5. Abbadi and Silva
6. Bitar et al
7. Cihak and Hesse
8. Abdulle and Kassim,
9. Abedifar et al
10. Alqahtani et al.
11. Mollah and Zaman
12. Al-Shboul et al

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

ثبات‌بخش بانکی را می‌توان تابعی از متغیرهای محیط فعالیت نیز در نظر گرفت (مانند کاناگارتنام و همکاران،[1] ۲۰۱۵ و بیلگین و همکاران،[2] ۲۰۲۱).

به‌عنوان‌مثال، عظمت و همکاران[3] (۲۰۲۰) و بیلگین و همکاران[4] (۲۰۲۱) بیان کرده‌اند که دینداری افراد به‌طورمستقیم یا غیرمستقیم بر ریسک‌پذیری و ثبات بانک تأثیر می‌گذارد. باوجود نتایج قابل‌توجه به‌دست‌آمده از این مطالعات، هنوز بیان روشنی از تأثیر ناشی از اسلامی بودن محیط بر ثبات بانک‌ها، به‌ویژه بانک‌های اسلامی ارائه نشده است. این موضوع برای بانک‌های اسلامی بسیار مهم است؛ زیرا انتظار می‌رود در محیطی که هدف اصلی آن پیروی از معاملات شرعی است، بانک‌های اسلامی انعطاف‌پذیری و ثبات قوی‌تری از خود نشان دهند.

این مقاله فرض می‌کند که ثبات بانک‌های اسلامی با درجه اسلامی بودن محیط فعالیت آنها ارتباط تنگاتنگی دارد. این دیدگاه با تحقیقات انجام‌شده توسط عبدالباکی و عثمان[5] (۲۰۱۷) و کادر[6] (۲۰۲۱) همسو است. آنها ادعا می‌کنند که اهداف اجتماعی بانک‌های اسلامی زمانی محقق می‌شوند که سیستم‌ها در محیطی که بانک‌ها در آن فعالیت می‌کنند، اهداف مبتنی بر شریعت و اسلام داشته باشند. بنابراین، نتایج این مطالعه ممکن است به مقامات نظارتی و تصمیم‌گیرندگان بانک‌ها کمک کند تا متوجه شوند اسلامیت محیط تا چه حد می‌تواند ثبات‌بخش بانکی را ارتقاء دهد. براساس‌این، هدف اصلی مقاله حاضر بررسی تأثیر اسلامی بودن محیط بر مقاوم‌سازی و کاهش ریسک بخش بانکی در کشورهای دارای سیستم بانکداری اسلامی است.

۲. مبانی نظری و پیشینه تحقیق

در یک محیط اسلامی، هدف نهایی افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها رسیدن به فلاح و رستگاری است (کادر،[7] ۲۰۲۱). فلاح و رستگاری، اشاره به موفقیت، سعادت و موفقیت مطلق در دنیا (حیات دنیا) و آخرت است. بخش اول فلاح و رستگاری، ارتباط نزدیکی با شادی فردی، هماهنگی اجتماعی و رفاه اقتصادی دارد. هدف فلاحْ نیات، صفات، رفتارها، روابط و سیاست‌ها را در جامعه تحریک

1. Kanagaretnam et al
2. Bilgin et al
3. Azmat et al.
4. Bilgin et al
5. Abdul-Baki and Uthman
6. Kader
7. Kader

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

می‌کند تا نیکی، صداقت، اعتماد، درستکاری، بردباری، صراحت، عدالت و مشارکت در ریسک را دربربگیرد. در مقابل، از بی‌صداقتی، بی‌عدالتی، فریب، تقلب، گمراه کردن، و ساختن ثروت از طریق استثمار (ربا)، که به‌عنوان امر باطل شناخته می‌شود، بیزار است (الوی و همکاران،[1] ۲۰۲۱).

افزون‌براین، در میان شریعت‌دانان اتفاق‌نظر وجود دارد که می‌توان با پیگیری رفتارها و سیاست‌های نشان‌داده‌شده در رویکرد با شریعت مقاصدی، که در قرن دوازدهم توسط غزالی[2] توسعه یافت، به اصل فلاح دست یافت (کادر، ۲۰۲۱). دراین‌رابطه مقاصد الشریعت[3] «نقشه راه» حلال و حرام‌های ممنوعه‌ای را ارائه می‌دهد که بانک‌های اسلامی برای توسعه محصولات و خدمات برای کاهش فقر و ارتقای رفاه اعمال می‌کنند (ابن عاشور،[4] ۲۰۱۶؛ الوی و همکاران،[5] ۲۰۲۱؛ کادر، ۲۰۲۱ و روهمان و همکاران،[6] ۲۰۲۱). مانند هرم سلسله‌مراتب نیازهای مزلو[7] (۱۹۴۳)، پارادایم غزالی اشاره می‌کند که سعادت نوع بشر منوط به حفظ پنج امر اساسی همزیستی است: الدین، النفس، العقل، النسل و المال (اسحاک و اسنی،[8] ۲۰۲۰ و کدر، ۲۰۲۱). در تحقیق حاضر بر چهار اصل اخیر تمرکز می‌شود.

نخست، النفس به حیات و روح اشاره دارد و حفظ آن براساس قداست مطلق جسم و جان انسان است. برای بدن، این هدف با اطمینان از دسترسی به نیازهای اولیه مانند غذا، آب، بهداشت، سلامت، سرپناه و زندگی در محیطی تمیزتر محقق می‌شود. برای روح، هدف با حفظ امنیت، حیثیت و حقوق انسان و تبلیغ مبانی اسلامی مدارا، آزادی و عدالت محقق می‌شود (کادر، ۲۰۲۱)؛ دوم، العقل، مربوط به عقل، اندیشه و دانش است (پاورز،[9] ۱۳۸۳). حفظ عقل شامل حفاظت از سلامت روان، امکان دسترسی به آموزش و ترویج سایر آزادی‌های منطبق با شرع است؛ سوم، النسل، با حفظ خانواده و فرزندان رابطه دارد. ابن عاشور (۲۰۱۶) نقش اساسی زنان را برای این منظور از طریق تسهیل دسترسی آنها به خدمات بهداشتی کافی و فرصت‌های آموزشی مشخص می‌کند؛ چهارم، حفظ المال یا مال و دارایی به حفظ شریعت از ارزش و ثبات اشاره دارد.

1. Alwi et al
2. Al-Ghazzali
3. Maqasid Sharia
4. Ibn Ashur
5. Alwi et al
6. Rohman et al
7. Maslow's Hierarchy of Needs pyramid
8. Ishak and Asni,
9. Powers

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

به‌طورکلی، این امر می‌تواند از طریق تحریک نوآوری و کارآفرینی و ایجاد فرصت‌های برابر حاصل شود. این امر مستلزم ایجاد یک محیط کسب‌وکار است که در آن افراد می‌توانند ایده‌های کارآفرینی را آغاز کرده و تحقق بخشند، براساس قوانین شرعی منابع مالی دریافت کنند، و در تمام مراحل قراردادها نهایت حسن نیت را رعایت کنند.

باتوجه‌به موارد یادشده، مؤسسات مالی مطابق با شریعت موظف به حفظ منابع مالی کشور هستند، بدون اینکه آنها را در معرض اعمال منفور شریعت قرار دهند (سرکر،[1] ۱۹۹۹؛ صدیقی،[2] ۲۰۰۱؛ حنیفه و حدیب،[3] ۲۰۰۷؛ آسوتای،[4] ۲۰۰۷؛ صدیقی و همکاران،[5] ۲۰۱۹ و خمستون و همکاران،[6] ۲۰۲۱). متعاقباً، بانک‌های اسلامی با تعقیب هدف ثبات مالی به دستیابی کشور به مقصد و هدف نهایی فلاح نیز کمک می‌کنند (رضوی و همکاران،[7] ۲۰۲۰؛ خمستون و همکاران، ۲۰۲۱). اگر رفتارهای فردی و سیاست‌های جمعی حاکم در یک کشور نیز تحت تأثیر اسلامیت قرار گیرد، ممکن است ثبات بانک‌های اسلامی بیشتر تضمین شود. به‌دیگرسخن، دستیابی به ثبات بانکی و حفظ آن درصورتی‌که چشم‌انداز وسیع‌تری در زیربنای اساسی تعالیم شرعی، که در رویکرد شرعی الفلاح نشان داده شده است، مشترک باشد، قابل‌دسترس‌تر خواهد بود.

۲-۱. تأثیر دینداری بر بخش بانکی

برای سیستم‌های بانکداری دوگانه، که در آن بانک‌های اسلامی و متعارف همزیستی دارند، ادبیات به این موضوع می‌پردازد که آیا دینداری به عملکرد و ثبات هر دو نوع بانک و سیستم کمک می‌کند یا خیر. نقش دینداری در شکل‌دادن به ثبات بانک در مطالعه بیلگین و همکاران[8] (۲۰۲۱) برجسته شده است که دریافتند دینداری در کشورهای تحت سلطه مسلمانان یا جایی بارزتر است که دین مهم تلقی می‌شود یا قوانین اسلامی حاکم است. آنها دریافتند که دینداری محیط، به لطف ویژگی اشتراک سود و زیان بانکداری اسلامی، بانک‌های اسلامی را از نکول محافظت می‌کند. افزون‌براین، براساس

1. Sarker
2. Siddiqui
3. Haniffa and Hudaib,
4. Asutay
5. Siddiqi et al
6. Khomsatun et al.
7. Rizvi et al
8. Bilgin et al

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

مطالعه شو و همکاران[1] (۱۳۹۱)، دینداری اسلامی ممکن است با تأثیر بر تصمیم‌گیری مدیریتی و نهادهای غیررسمی و رسمی کشور، بر عرضه و ریسک‌پذیری بانک تأثیر بگذارد. در اصل، محصولات و خدمات ارائه‌شده توسط بانک‌های اسلامی برای خدمت به خواسته‌های جمعیتی توسعه می‌یابند که تحت تأثیر دینداری اسلامی هستند (عظمت و همکاران،[2] ۲۰۲۰).

دراین‌مورد، مدیران ممکن است برای تأمین اهداف شریعت و اسلام، در موقعیت مناسبی برای خدمت به چنین جمعیت‌های اسلامی قرار گیرند. این می‌تواند بانک را به تبعیت بهتر از معاملات شرعی سوق دهد و درنتیجه، عملکرد قوی‌تر و ثبات بالاتری را به همراه داشته باشد. باوجوداین، این دیدگاه با مطالعه صورت گرفته توسط علی و عظمی[3] (۲۰۱۶) که بررسی می‌کنند آیا هیئت‌مدیره تحت سلطه اعضایی از مذاهب اسلامی می‌تواند تأثیر مثبتی بر عملکرد و ثبات بانک‌های اسلامی و متعارف در مالزی داشته باشد، مشترک نیست. نتایج نشان می‌دهد که جهت‌گیری اسلامی به عملکرد بانک ارتباطی ندارد. اعضای هیئت‌مدیره از مذاهب دیگر می‌توانند تجارت بانکداری اسلامی را به‌خوبی یک عضو هیئت‌مدیره مسلمان مدیریت کنند.

بنابراین، بانک‌های اسلامی ممکن است مجبور به فعالیت و ارضای دو محیط به‌ظاهر متضاد در سیستم‌های بانکی دوگانه شوند. اولین تنظیم مربوط به اصول و اهداف مبتنی بر اصل فلاح و رستگاری است که بانک‌های اسلامی ادعا می‌کنند به آن پایبند هستند و با مشتریان مذهبی خود به اشتراک می‌گذارند. گرایس و پلگرینی[4] (۲۰۰۶) معتقدند اگر یک بانک اسلامی از شرع پیروی نکند، این امر می‌تواند اعتبار آن را از بین ببرد و بر انعطاف‌پذیری مالی آن تأثیر بگذارد. برای حفظ ثبات بانک‌ها و منافع ذینفعان، بانک‌های اسلامی باید یک نظام حکمرانی سازگار با شریعت را اجرا کنند (خماستون و همکاران،[5] ۲۰۲۱). عبدالباکی و عثمان[6] (۲۰۱۷) معتقدند بانک‌های اسلامی زمانی به اهداف مبتنی بر الفلاح خود دست می‌یابند که سیستم‌هایی که در آن فعالیت می‌کنند نیز با انگیزه اهداف الفلاح باشند. تنظیم دوم مربوط به محیط اجتماعی-اقتصادی مبتنی بر تولید ناخالص داخلی است که تحت تأثیر هدف جهانی‌سازی «به‌حداکثر رساندن ثروت سهامداران» براساس اصل «نفع شخصی آزاد» قرار

1. Shu et al.
2. Azmat et al
3. Ali and Azmi
4. Grais and Pellegrini
5. Khomasatun et al
6. Abdul-Baki and Uthman

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

دارد. اهمیت ساختارها و شیوه‌های مرسوم در بانکداری جهانی و مالی و دیگر ملاحظات اقتصادی ممکن است بانک‌های اسلامی را به نقض اصول اسلامی سوق دهد.

این مقاله با بسط مفهوم دینداری فراتر از شناسایی باورها یا ایمان به مفهوم اسلامیت که توسط رحمان و عسکری[1] (۲۰۱۰) توسعه یافته است، بر ادبیات یادشده استوار است. این تحقیق بررسی می‌کند که آیا اسلامی بودن محیط، بانک‌های اسلامی را از ریسک نکول مصون می‌دارد یا خیر. اسلامیت از صداقت فردی و نهادی حمایت می‌کند و افشاگری و شفافیت بالاتر را درجایی که عوامل به‌طور مؤثر اطلاعات بدون صداقت را به دست می‌آورند و از آنها سوءاستفاده می‌کنند، حمایت می‌کند (مانند بوشمن و همکاران،[2] ۲۰۰۴؛ بورگین و همکاران،[3] ۲۰۱۲؛ بوبکری و همکاران،[4] ۲۰۱۳). دراین‌زمینه، به نظر می‌رسد کانال عدم‌تقارن اطلاعات مکانیسمی است که از طریق آن محیط مبتنی بر الفلاح بر ثبات بانک تأکید می‌کند. عابدی‌فر و همکاران[5] (۲۰۱۳) و باله و همکاران[6] (۲۰۱۴) دریافتند که وام‌گیرندگان احتمالاً به‌دلیل تأثیر شدید اسلامی بودن آنها به تعهدات خود تحت قراردادهای قرض اسلامی عمل می‌کنند. این مطالعات (مثل خماستون و همکاران،[7] ۲۰۲۱؛ بکتاس و همکاران،[8] ۲۰۲۲) فرض می‌کنند که پایبندی فرد به دین اسلام بدون سوگیری است و بنابراین، می‌تواند تأثیر دین را بر بانک نشان دهد.

۲-۲. تأثیر اسلامیت محیط بر ثبات بانکی

ادبیات موجود دررابطه‌با ثبات بانک‌های اسلامی و ارتباط آن با شریعت را می‌توان در سه رشته دسته‌بندی کرد:

نخستین رشته ادبیات ارزیابی می‌کند که آیا عملکرد بانک‌های اسلامی به اصول متعارف شریعت در مورد بانکداری پایبند است یا خیر. این تحقیقات مشاهده می‌کند که صورت‌های مالی بانک‌های اسلامی با سودآوری پایین و پرتفوی دارایی‌هایی مشخص می‌شوند که عمدتاً از

1. Rehman and Askari
2. Bushman et al
3. Bourgain et al.
4. Boubakri et al
5. Abedifar et al
6. Baele et al
7. Khomasatun et al
8. Bektas et al

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

معاملات کوتاه‌مدت و مبتنی بر تجارت تشکیل شده‌اند (الهاواری و همکاران،[1] ۲۰۰۴). این ساختار ممکن است به این صورت تفسیر شود که بانک‌های اسلامی از فعالیت‌های تقسیم سود و زیان که دلیل وجودی بانکداری اسلامی است، دور می‌شوند (مجید و زینب،[2] ۲۰۱۷؛ میاه و سوزوکی،[3] ۲۰۲۰).

یکی از توجیهات این تغییر توسط کوران[4] (۱۹۹۳) ارائه شده است که استدلال می‌کند که بانک‌های اسلامی ممکن است از مدل بانکداری مبتنی بر اشتراک ریسک خود فاصله گرفته باشند؛ زیرا مجبور به تقلید از راهبردهای همتایان متعارف خود هستند. کوران (۱۹۹۳) توضیح می‌دهد که بانک‌ها با محیطی مواجه هستند که مشخصه آن ریسک‌های ذاتی ناشی از اطلاعات نامتقارن گسترده و کاربرانی است که تحت سلطه انتخاب‌های منطقی هستند. برخلاف بانک‌های اسلامی، بانک‌های مرسوم سنتی از مزایای قابل‌توجهی در درک این محیط برخوردار بوده و ابزارهای مناسبی را برای مقابله با آن توسعه داده‌اند. بانک‌های اسلامی به‌دلیل نوظهوربودن و نداشتن ابزارهای نوآورانه و به‌اندازه کافی آزمایش‌شده، مجبور به استفاده و تکرار شیوه‌های مرسوم برای تحمل این محیط زیان‌بار و رشد بیشتر می‌شوند. برای بقا، بانک‌های اسلامی باید معیارهای خود را به محیط متعارف مرتبط کنند و حتی از راه دور استانداردهای تحمیل‌شده توسط بانک‌های متعارف را دنبال کنند. درنتیجه، بانک‌های اسلامی ممکن است آموزه‌های اسلامی در مورد بانکداری و امور مالی را زیر پا بگذارند.

استدلال کوران (۱۹۹۳) توسط آثار تجربی مانند خان[5] (۲۰۱۰) پشتیبانی می‌شود که نشان می‌دهد ابزارهای ارائه‌شده توسط بانک‌های اسلامی صرفاً اصلاح یا تقلید از ابزارهای مرسوم است و فقط در اسم‌گذاری آنها متفاوت است. خان (۲۰۱۰) تأیید می‌کند که بانک‌های اسلامی آرمان‌های اساسی شریعت در مورد بانکداری و امور مالی را نقض می‌کنند و از این دیدگاه حمایت می‌کند که بانک‌های اسلامی ممکن است جایگزین بانک‌های متعارف نباشند. میاه و سوزوکی (۲۰۲۰) دریافتند که عملیات بانک‌های اسلامی در قراردادهای بدهی متمرکز است و فضای کمی برای مشارکت در ریسک و قراردادهای تقسیم سود و زیان باقی می‌گذارد. چونگ و لیو[6] (۲۰۰۹)

1. El-Hawary et al
2. Majeed and Zainab
3. Miah and Suzuki,
4. Kuran
5. Khan
6. Chong and Liu

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

نشان می‌دهند که عملیات مرتبط با سپرده‌گذاری بانک‌های اسلامی کاملاً عاری از پدیده ربا نیست. چیاک و هسه (۲۰۱۰) مشاهده می‌کنند که سیستم بانکداری اسلامی، حاشیه سود خود را براساس نرخ بازده مرجع مرتبط با معیارهای بین‌المللی یا همان سیستم بانکداری ربوی تعیین می‌کند. موحد و آزها[1] (۲۰۱۹)، نچی و سمویی[2] (۲۰۱۹) و سعید و همکاران[3] (۲۰۲۱) بین نرخ‌های بین‌بانکی مطابق با شریعت و نرخ‌های پیشنهادی بین‌بانکی متعارف مربوطه را برای کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس (GCC) و مالزی ارتباط نزدیکی پیدا کردند. سعید و همکاران (۲۰۲۱) نشان می‌دهند که بازارهای سپرده‌های سرمایه‌گذاری اسلامی و سپرده‌های ثابت متعارف کاملاً تفکیک نشده‌اند.

درمقابل، یوسف[4] (۲۰۰۴) استدلال می‌کند که تقلید دقیق از رویه‌ها این دیدگاه را توجیه نمی‌کند که بانک‌های اسلامی ازنظر عملکردی از بانک‌های معمولی متمایز نیستند،. مجید و زینب (۲۰۱۷) دریافتند که بانک‌های اسلامی در پاکستان از اصول شریعت پیروی می‌کنند؛ حتی اگر آنها قراردادهای مشارکت در سود و زیان و یا قراردادهای بدهی مبتنی بر اسلام را ارائه نمی‌کنند. احمد[5] (۱۹۹۳) ادعا می‌کند که تقلید بانک‌های اسلامی از بانک‌های متعارف تنها یک مرحله از چرخه حیات این بانک‌های مبتنی بر ایمان است. بانکداری اسلامی صنعتی نوظهور است که فاقد منابع گسترده سرمایه انسانی منطبق با شریعت و چارچوب نظارتی و حمایت مناسب است. این امر به ایجاد محدودیت‌هایی منجر می‌شود که برای رسیدن به مرحله اسلامی کامل، بانک‌های اسلامی ممکن است نیاز داشته باشند که برخی از فرآیندهای بانکداری را از بانک‌های متعارف تقلید کنند. سعید و همکاران (۲۰۲۱) استدلال می‌کنند که بانک‌های اسلامی مجبورند نرخ‌های خود را با نرخ‌های متعارف محک بزنند؛ زیرا با مشتریان سودمحور تحت تأثیر انگیزه‌های منطقی و ملاحظات اقتصادی مواجه هستند. از این نظر، بانک‌ها با یک مبادله بین پایبندی کامل به شریعت اسلامی و واقعیت مبانی اقتصادی تحت سلطه رویه‌های متعارف مواجه هستند.

رشته دوم ادبیات، برتری بانک‌های اسلامی بر بانک‌های متعارف در عملکرد، رقابت، کارایی و ثبات را موردبحث قرار می‌دهد (عابدی فر و همکاران، ۲۰۱۵). بیشتر مطالعات تجربی در مورد

1. Mohd and Azha
2. Nechi and Smaoui
3. Saeed et al
4. Yousef
5. Ahmad

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

این بحث پس از بحران مالی جهانی در سال ۲۰۰۷ با بررسی چگونگی واکنش هر دو نوع بانک به آن گسترش یافت. این ادبیات در مورد اینکه آیا اسلامی بودن یک بانک باعث افزایش ثبات آن می‌شود یا خیر، نظر واحدی ارائه نکرده است. عدم توافق عمومی در بین مطالعات ممکن است به‌دلیل تفاوت در مجموعه داده‌های بانکی، کشورها و دوره‌های تحلیل‌شده، و استفاده از روش‌ها و شاخص‌های مختلف ثبات بانک باشد.

طرفداران بانکداری اسلامی (به‌عنوان‌مثال، خان، ۲۰۱۰) استدلال می‌کنند که بانک‌های اسلامی کارآمدتر از بانک‌های معمولی هستند. ابراهیم و رضوی[1] (۲۰۱۸) نشان می‌دهند که بانک‌های اسلامی با تضمین تأمین اعتبار مستمر در مواقع دشواری، ثبات بیشتری را برای سیستم بانکی فراهم می‌کنند. رضوی و همکاران[2] (۲۰۲۰) دریافتند که بانک‌های اسلامی ثبات سیستم بانکی اندونزی را در طول یک بحران تقویت می‌کنند. مزیت بانک‌های اسلامی ازنظر ثبات ناشی از ویژگی اشتراک ریسک است (لوپز مجیا و همکاران،[3] ۲۰۱۴)، که کارایی تخصیصی و رشد اقتصادی را نیز ارتقا می‌دهد (اقبال و مولینوکس،[4] ۲۰۰۵).

برعکس، چندین مطالعه نیز شواهدی قوی مبنی بر برتری بانک‌های اسلامی در عملکرد و ثبات را گزارش نکرده‌اند. به‌عنوان‌مثال، عبدالله و قاسم[5] (۲۰۱۲) نشان می‌دهند که بحران مالی جهانی سال ۲۰۰۷ بر سودآوری و ریسک اعتباری بانک‌های اسلامی و متعارف مالزی تأثیر متفاوتی نداشت. بورخیس و نبی[6] (۲۰۱۳) نشان می‌دهند که بحران مالی جهانی سال ۲۰۰۷ به‌طور مشابه بر سلامت بانک‌های اسلامی و متعارف تأثیر گذاشته است. مطالعاتی مانند الشبول و همکاران[7] (۲۰۲۰) و بیلگین و همکاران[8] (۲۰۲۱) دریافتند که سهم بانک‌های اسلامی در ثبات به‌طور قابل‌توجهی با بانک‌های معمولی تفاوت ندارد. باوجوداین، عبدالله و قاسم (۲۰۱۲) دریافتند که بانک‌های اسلامی دارایی‌های نقدی بیشتری نسبت به بانک‌های معمولی دارند. القحطانی و همکاران[9] (۲۰۱۶) نشان می‌دهند که در مراحل اولیه بحران مالی جهانی سال ۲۰۰۷،

1. Ibrahim and Rizvi
2. Rizvi et al.
3. López Mejía et al
4. Iqbal and Molyneux
5. Abdulle and Kassim
6. Bourkhis and Nabi
7. Al-Shboul et al
8. Bilgin et al
9. Alqahtani et al

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

بانک‌های اسلامی در زمینه‌های سرمایه‌گذاری، سودآوری و نقدینگی از همتایان متعارف خود بهتر عمل کردند. باوجوداین، در مراحل بعدی بحران، سرمایه‌گذاری، سودآوری و کارایی بانک‌های اسلامی بدتر شد. مطالعات دیگر (مثل لوپز مجیا و همکاران، ۲۰۱۴؛ کبیر و ورثینگتون،[1] ۲۰۱۷) ادعا می‌کنند که نقش بانک‌های اسلامی در عملکرد و ثبات سیستم بانکی بیش‌ازحد در ادبیات مورد تأکید قرار گرفته است؛ زیرا اندازه این بخش کوچک است. عبادی و سیلوا[2] (۲۰۲۰) هشدار می‌دهند که یافته‌های تجربی در مورد برتری معیارهای اسلامی نسبت به معیارهای مرسوم به مجموعه داده‌های موردبررسی، دوره مطالعه و معیارهای مورداستفاده بستگی دارد.

رشته سوم ادبیات یک پدیده نوظهور است و بر تأثیر دینداری محیط بر عملکرد و ثبات بانک تمرکز دارد. این ادبیات از آثار تجربی هیلاری و هوی[3] (۲۰۰۹) و مک گوایر و همکاران[4] (۲۰۱۲) سرچشمه می‌گیرد و بر نقش باورهای مذهبی بر ریسک گریزی بانک‌ها متمرکز است. استدلال این ادبیات مبتنی بر نظریه‌های هویت اجتماعی[5] است (تاجفل،[6] ۱۹۷۸؛ اسلام،[7] ۲۰۱۴) که بیان می‌کند هویت، تعلق به یک گروه خاص و انطباق با هنجارهای موجود در فرهنگ محلی بر رفتارهای مردم تأثیر بسزایی دارد. با گرفتن سرنخ از این گزاره، دینداری بالاتر با ریسک کمتر همراه است؛ زیرا دینداری یک مکانیسم اجتماعی است که رفتارها، تعاملات اجتماعی و تصمیمات اقتصادی افراد را تعدیل می‌کند (لی و همکاران،[8] ۲۰۱۳). درجه دینداری در بین مشتریان باعث می‌شود که آنها نسبت به رقابت کمتر حساس شوند و انگیزه‌های حداکثرسازی سود مبتنی بر عقلانیت را جایگزین کنند (سعید و همکاران،[9] ۲۰۲۱). آدیکاری و آگراوال[10] (۲۰۱۶) نشان می‌دهند که باورهای محلی مدیران بانک‌های ایالات‌متحده را از پذیرش ریسک‌های بیشتر بازمی‌دارد. آنها دریافتند که بانک‌ها در مناطق مذهبی‌تر می‌توانند در برابر بحران مقاومت کنند؛

1. Kabir and Worthington
2. Abbadi and Silva
3. Hilary and Hui
4. McGuire et al.
5. social identity theories
6. Tajfel
7. Islam
8. Li et al.
9. Saeed et al.
10. Adhikari and Agrawal

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

زیرا ریسک نکول کمتری دارند، دارایی‌های خود را کندتر رشد می‌دهند، دارایی‌های امن‌تری را نگهداری می‌کنند و کمتر به بانکداری غیرسنتی متکی هستند.

باخوچه و همکاران[1] (۲۰۲۳) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر اسلامیت برای ثبات بانک‌های اسلامی در نظام‌های بانکی دوگانه پرداخته‌اند. آنها بیان داشته‌اند که این مطالعه به بررسی این موضوع می‌پردازد که آیا بانک‌های اسلامی در کشورهایی که محیطشان تحت تأثیر اسلام‌گرایی است، پایدارتر از کشورهایی با اسلامیت کمتر هستند یا خیر. نمونه‌ای از بانک‌های اسلامی و متعارف از چهارده کشور اکثریت مسلمان برای دوره ۱۹-۲۰۱۶ به کار گرفته شده است. نتایج نشان می‌دهد اسلامیت تأثیر خنثی بر ثبات بانک‌ها دارد و بانک‌های اسلامی، اسلامیت بالاتر محیط را عامل حمایتی برای تاب‌آوری خود نمی‌دانند. یافته‌های تحقیق فرضیه «اسلام-ثبات» را برای بانک‌های اسلامی رد می‌کند و نشان می‌دهد که اسلامی بودن محیط در سیستم‌های بانکی دوگانه بی‌ربط است. از زاویه‌ای دیگر، بانک‌های اسلامی ممکن است نسخه‌ای «مختلف» از بانک‌های متعارف به نظر برسد.

۳. روش تحقیق

به‌منظور بررسی تأثیر آستانه‌ای اسلامیت محیط بر کاهش ریسک بخش بانکی در کشورهای اسلامی به روش رگرسیون انتقال ملایم تابلویی (PSTR)، به تبعیت از باخوچه و همکاران[2] (۲۰۲۳)، از برآورد مدل رگرسیونی زیر استفاده می‌شود:

$$Z-Score_{\mathrm{it}}=\alpha_0+\beta_1 Z-Score_{it-1}+\beta_2 IS_{it}+\beta_3 BC_{it}+\beta_4 Z_{it}+$$
$$\beta_5 EX_{it}(\theta_1 IS_{it}+\theta_2 BC_{it}+\theta_3 Z_{it})F(s_{it},\gamma,c)+u_{it}$$

که در آن تابع گذار F برابر است با:

$$F(s_{it},\gamma,c)=(1+exp\{-\gamma(s_{it}-c)\})^{-1},\quad \gamma>0$$

α عرض از مبدأ، در قسمت خطی مدل β_1 ضریب برآوردی وقفه متغیر ثبات بانکی، β_2 ضریب برآوردی متغیر اسلامیت محیط، β_3 ضریب برآوردی متغیرهای خاص بانکی و β_4 بردار ضرایب برآوردی متغیرهای کلان اقتصادی می‌باشد. پارامتر مکان c نقطه‌ای از انتقال بین دو رژیم حدی 0 و1 را نشان می‌دهد. γ پارامتر شیب است که نشان‌دهنده سرعت انتقال بین رژیم‌ها بوده و

1. Abderazak Bakhouche a, Teheni El Ghak b, Mohammad Alshiab
2. Abderazak Bakhouche a, Teheni El Ghak b, Mohammad Alshiab

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

دارای قید بدیهی $\gamma > 0$ می‌باشد، مقادیر بیشتر γ بیانگر تغییر سریع‌تر رژیم است. s_{it} بیان‌کننده متغیر انتقال است و می‌تواند از بین متغیرهای توضیحی، وقفه متغیر وابسته، یا هر متغیر دیگر خارج از مدل که از حیث مبانی نظری دموردمطالعه مدل مورد مطالعه بوده و عامل ایجاد رابطه غیرخطی باشد، انتخاب شود.

متغیر وابسته

ثبات بانکی (Z-score): شاخص Z-Score به‌طور گسترده در ادبیات بانکی برای نشان دادن ثبات بانک و ریسک‌پذیری به کار گرفته شده است (سچسک و چیاک،[1] ۲۰۱۴؛ احمد و ملیک،[2] ۲۰۱۹؛ وو و همکاران،[3] ۲۰۲۰). به لحاظ عملیاتی معیار Z-Score به‌صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$Z = (K + \mu)/\sigma$$

که K بیان‌کننده سرمایه نقدی به‌عنوان درصدی از دارایی، μ متوسط بازدهی به‌عنوان درصدی از دارایی و σ انحراف معیار بازدهی روی دارایی‌ها است که نشان‌دهنده نوسانات بازدهی است. هر چه شاخص Z-Score کمتر (بالاتر) نشان‌دهنده مواجهه بالاتر (کمتر) در معرض خطر ورشکستگی است و بنابراین، بانک باثبات‌تر است (بورگین و همکاران، ۲۰۱۲).

متغیر مستقل

شاخص اسلامیت (IS):

بنیاد اسلامیت از سال ۲۰۱۶ هرساله شاخص اسلامیت را براساس مطالعه صورت گرفته رحمان و عسکری[4] (۲۰۱۰) تهیه کرده است. این شاخص میزان سازگاری نهادهای مختلف یک کشور با قواعد استنباط شده از آموزه‌های اساسی اسلام را اثبات می‌کند. عسکری[5] (۲۰۱۹) زمینه فکری این شاخص را فراهم می‌کند. استخراج این شاخص از این ایده سرچشمه می‌گیرد که درحالی‌که نظام اقتصادی اسلامی مبتنی بر بازار است، وزن بیشتری برای ارزش‌هایی همانند «درجه عدالت

1. Schaeck and Čihák
2. Ahamed and Mallick
3. Wu et al.
4. Rehman and Askari
5. Askari

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

بیشتر در همه جنبه‌های مدیریت اقتصادی، استانداردهای اخلاقی بالاتر، صداقت و اعتماد در بازار، و دیگر پارامترهای اقتصادی همانند ریشه‌کنی فقر، توزیع یکنواخت‌تر ثروت و درآمد، عدم احتکار ثروت، عدم تجمل در مصرف، عدم سودجویی استثمارگرانه، تقسیم ریسک در مقابل قراردادهای بدهی، زیرساخت‌های اجتماعی بهتر و ارائه خدمات اجتماعی، رفتار بهتر با کارگران، هزینه‌های آموزش عالی بالاتر، درجه بالاتر حفظ محیط‌زیست و بازارهای تحت نظارت هوشیارانه» در نظر می‌گیرد (عسکری، ۲۰۱۹).

این شاخص از شاخص‌های چندوجهی استفاده می‌کند تا تصویری از اینکه یک کشور چقدر از سیاست‌های مبتنی بر قرآن و سنت استقبال می‌کند، به تصویر می‌کشد. محدوده آن در محدوده (۰،۱۰) است که ۱۰ نشان‌دهنده بالاترین سطح اسلامیت است. این شاخص شامل چهار بعد وسیع جامعه مسلمان بر اساس آموزه‌های قرآن است که شامل اقتصاد اسلامی، نظام حقوقی و حاکمیتی، حقوق بشر و حقوق سیاسی و روابط بین‌الملل می‌باشد (حسین و محمدخان،[1] ۱۳۹۵). مجموع هر چهار شاخص، شاخص کلی اسلامیت را تشکیل می‌دهد.

بعد اسلامیت اقتصاد، بر سازگاری نظام اقتصادی و مالی با نظام اسلامی مبتنی بر بازار تمرکز دارد. عناصر این بعد شامل مؤلفه‌های دسترسی به نیازهای اساسی انسان، رفاه و فرصت فردی و اجتماعی شامل آزادی اقتصادی، توزیع عادلانه درآمد، جلوگیری از فقر، دسترسی به آموزش و اشتغال، ثبات اقتصادی، پایبندی به مالیه اسلامی می‌باشد. شاخص‌های مورداستفاده برای اندازه‌گیری این بعد شامل شاخص برابری جنسیتی، سهولت کسب‌وکار، شاخص آزادی اقتصادی، شاخص شفافیت، اثربخشی فقر، بار مالیاتی به نسبت تولید ناخالص داخلی، رفاه اجتماعی، آزادی سرمایه‌گذاری، آزادی مالی، آزادی پولی، آزادی ریسک بازار مالی، عدم وجود بهره، شاخص‌ها کلان اقتصادی، تورم و عملکرد اقتصادی است؛

بعد دوم شاخص اسلامی، نظام حقوقی و حکمرانی، به این موضوع می‌پردازد که آیا نهادهای موجود، مدیریت صحیح منابع طبیعی، کیفیت محیط‌زیست، یکپارچگی نظام حقوقی، حکمرانی و مدیریت صحیح کشور را براساس شئونات اسلامی ارتقا می‌دهند یا خیر؟ عناصر این بعد شامل یکپارچگی حقوقی، شاخص مدیریت، حاکمیت و تصورات از دولت است. ازجمله شاخص‌های مورداستفاده برای ایجاد این بعد می‌توان به حمایت از شاخص حقوق بشر، هزینه‌های تجاری

1. Hossein and Mohammadkhan

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

جرم، حاکمیت قانون، شاخص مدیریت کشور، کیفیت هوا، حمایت از حقوق حیوانات، ثبات سیاسی، عدم خشونت، کنترل فساد و اعتماد به دولت اشاره کرد.

بعد سوم شاخص اسلامیت، حقوق انسانی و سیاسی است که بر این موضوع تمرکز دارد که آیا کشور می‌تواند نیازهای اساسی را تأمین کند و شرایط مناسبی را برای افراد برای توسعه رفاه و بهره‌برداری از فرصت‌ها فراهم کند. مؤلفه‌های این بعد شامل توسعه انسانی با شاخص توسعه انسانی، حقوق مدنی و سیاسی، حقوق زنان با نسبت کرسی‌های زنان در پارلمان ملی، دموکراسی جهانی با شاخص دموکراسی جهانی، و ادراک از رفاه با معیارهای ایمنی، آزادی انتخاب، و رضایت کلی از زندگی سنجیده می‌شود. دراین بعد دو مؤلفه وجود دارد: جهانی‌شدن و نظامی شدن و جنگ.

بعد نهایی این شاخص روابط بین‌الملل است. بررسی می‌کند که آیا کشور سیاست خارجی اتخاذ می‌کند و با کشورهای دیگر بر اساس ارزش‌های اسلامی صلح و احترام برقرار می‌کند یا خیر. جهانی‌شدن با شاخص جهانی‌شدن اقتصادی، شاخص جهانی‌شدن اجتماعی، آزادی بازدید خارجی‌ها، شاخص جهانی‌شدن سیاسی، شاخص نظامی سازی، جنگ‌ها و نظامی سازی اندازه‌گیری می‌شود.

متغیرهای کنترل سطح بانک

شش متغیر در سطح بانک در نظر گرفته می‌شود تا تأثیرات ساختار بانک و مدل کسب‌وکار را بر ثبات بانک نشان دهد. مطالعات متعددی این متغیرها را برای توضیح ثبات و ریسک بانک پیدا کرده‌اند (میرزایی و آگویر،[1] ۲۰۲۰؛ بوومیک و سارکر،[2] ۲۰۲۱).

اندازه بانک (Size): لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های بانک؛

نقدینگی بانک (LIQUIDITY): نسبت کل دارایی‌های نقدی به کل دارایی‌های بانک؛

رشد دارایی‌ها (GROWTH): نرخ رشد کل دارایی‌های بانک؛

تنوع‌بخشی (DIV) نسبت (خالص درآمد بهره‌ای - سایر درآمدهای عملیاتی) تقسیم بر کل درآمدهای عملیاتی بانک.

1. Mirzaei and Aguir
2. Bhowmik and Sarker

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

متغیرهای کنترل سطح کلان

رشد اقتصادی (GDPGOWTH): نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سرانه به قیمت ثابت سال ۲۰۱۵

نرخ تورم (INFLATION): نرخ رشد شاخص بهای کالاها و خدمات مصرف‌کننده CPI

برای بررسی تأثیر درجه اسلامیت حاکم در یک محیط به‌عنوان معیار درجه اسلامی بودن یا «الفلاحی بودن» مفروض یک جامعه بر کاهش ریسک بانک‌های اسلامی، داده‌هایی از منابع متعدد استخراج می‌شود. اول، داده‌های سطح بانک از ترازنامه‌ها و صورت‌های درآمد بانک‌ها از پایگاه داده Worldscope طی دوره زمانی فصل اول سال ۲۰۱۹ تا فصل سوم سال ۲۰۲۲ برای ۱۶ کشور منتخب دارای سیستم بانکداری اسلامی شامل عربستان، قطر، فلسطین، پاکستان، عمان، نیجریه، مالزی، لیبی، لبنان، اردن، ایران، اندونزی، مصر، برونئی، بحرین و افغانستان استخراج شدند. براساس‌این، یک نمونه پنل متشکل از ۳۰۴ مشاهده سال – بانک برای ۱۶ بانک اسلامی به دست می‌آید. دوم اینکه شاخص اسلامیت به‌عنوان معیار میزان انطباق یک محیط با مبانی شرعی از بنیاد شاخص اسلامیت[1] استخراج شده است. سوم، داده‌های اقتصاد کلان در سطح کشور برای نرخ تورم و رشد تولید ناخالص داخلی از پایگاه داده‌های شاخص توسعه جهانی (WDI) موجود در وبگاه بانک جهانی استخراج شده است. روش تجزیه‌وتحلیل داده‌ها مبتنی بر روش رگرسیون انتقال ملایم تابلویی (PSTR) می‌باشد. روش PSTR در ۵ مرحله برآورد می‌گردد:

جدول ۱: مراحل روش رگرسیون انتقال ملایم تابلویی (PSTR)

مرحله	توضیح
۱	در مرحله اول، تعیین وقفه بهینه مطرح است که با استفاده از معیارهای آکائیک، شوارتز و حنان کوئین انجام می‌شود.
۲	در مرحله دوم تعیین ارتباط غیرخطی بین متغیرهای تحقیق است.
۳	در مرحله سوم، انتخاب متغیر مناسب انتقال است. دراین مرحله اولویت با متغیری ست که فرضیه صفر آزمون F آن به‌طور قوی رد شده است.
۴	دراین مرحله تخمین با استفاده از داده‌های تحقیق و الگوریتم نیوتن رافسون (حداکثرسازی تابع ML) برآورد می‌شود.
۵	در مرحله پنجم، نمودار گرافیکی و نقاط شکست یا شیب ملایم مشخص شده و براساس آن تحلیل می‌شود. همچنین آزمون باقیمانده‌ها (عدم خطاهای خودهمبستگی، ثابت بودن عوامل بین رژیم‌های مختلف و نداشتن رابطه غیرخطی باقیمانده‌ها) دراین مرحله انجام می‌شود.

گفتنی است تمامی تجزیه‌وتحلیل‌ها با کمک نرم‌افزارهای ایویوز نسخه ۱۳ و استتا نسخه ۱۵ انجام می‌گیرد.

1. Islamicity index foundation

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۴. تجزیه‌وتحلیل داده‌ها

در ابتدا آمار توصیفی متغیرهای تحقیق ارائه می‌شود:

جدول ۲: آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	Z−Score	IS	Size	Liquidity	Growth	DIV	GDP Growth	Inflation
تعریف	ثبات بانکی	اسلامیت محیط	اندازه بانک	نقدینگی بانک	رشد دارایی‌ها	تنوع‌بخشی	رشد اقتصادی	نرخ تورم
میانگین	۷۷/۶۶	۵/۳۶	۲۲/۳۵	۰/۱۱	۰/۰۲	۰/۲۴	۰/۰۱	۰/۱۴
انحراف معیار	۶۱/۳۸	۴/۶۴	۲۰/۹۷	۰/۲۵	۰/۰۲	۰/۲۱	۰/۰۱	۰/۲۰
ماکزیمم	۹۱/۹۰	۷/۶۵	۴۱/۲۰	۰/۵۵	۰/۰۵	۰/۰۵	۰/۰۴	۱/۰۹
مینیمم	۵/۰۱	۲/۲۷	۱۵/۳۸	۰/۰۵	۰/۰۱	۰/۰۱	−۰/۰۱	−۰/۱۱

منبع: یافته‌های تحقیق

همان‌طورکه مشاهده می‌شود میانگین متغیر ثبات بانکی برای کشورهای موردبررسی برابر با ۷۷/۶۶ می‌باشد؛ درحالی‌که میانه این متغیر برابر با ۶۱/۳۸ بوده است. آمارهای مربوط به انحراف معیار، ماکزیمم و مینیمم متغیر ثبات بانکی نیز در جدول قابل‌مشاهده می‌شود. پارامترهای توصیفی سایر متغیرهای تحقیق نیز در جدول ارائه‌شده است. پیش از برآورد مدل *PSTR*، نیاز است تا مانایی متغیرهای تحقیق آزمون شود که برای این کار از آزمون لوین لین چو استفاده شده است. نتایج حاصل از این آزمون در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: آزمون مانایی متغیرها

متغیر	تعریف	آماره آزمون در سطح	نتیجه‌گیری
Z−Score	ثبات بانکی	***-۱۶/۲۰	مانا در سطح
IS	اسلامیت محیط	**-۱/۹۴	مانا در سطح
Size	اندازه بانک	***-۱۲/۸۵	مانا در سطح
Liquidity	نقدینگی بانک	***-۴/۴۱	مانا در سطح
Growth	رشد بانک	**-۲/۵۰	مانا در سطح
DIV	تنوع‌گرایی	***-۳/۱۸	مانا در سطح
GDP Growth	رشد اقتصادی	**-۲/۳۸	مانا در سطح
Inflation	نرخ تورم	**-۲/۸۴	مانا در سطح

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج تحقیق نشان می‌دهد باتوجه‌به سطح معناداری متغیرها، تمامی متغیرهای تحقیق در سطح ماناست. در ادامه به ارائه نتایج حاصل از آزمون‌های F لیمر و هاسمن پرداخته می‌شود.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

جدول ۴. نتایج آزمون F لیمر

آزمون	آماره آزمون	احتمال
F لیمر	09/2	۰/۰۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج آزمون F لیمر نشان می‌دهد ازآنجاکه سطح احتمال این آزمون کمتر از سطح خطای ۵ درصد است، روش داده‌های پانلی تأیید می‌شود. نتایج آزمون هاسمن جهت تشخیص اثرات ثابت یا اثرات تصادفی بودن مدل مشخص می‌شود:

جدول ۵: نتایج آزمون هاسمن

آزمون	آماره آزمون	احتمال
هاسمن	۱۳/۲۳۵۳	۰/۰۴۶۷

منبع: یافته‌های تحقیق

باتوجه‌به اینکه سطح احتمال آزمون هاسمن کمتر از سطح خطای ۵ درصد است، روش داده-های اثرات ثابت تأیید می‌شود. در ادامه و برای بررسی وجود رابطه خطی یا غیرخطی بین متغیرهای مدل باید بررسی شود که آیا (m تعداد پارامترهای رژیم) یک است یا خیر. گفتنی است که در آزمون‌های ذیل فرض بر آن است که مدل خطی است و فرض مقابل نیز مدل $PSTR$ لجستیک ($m=1$) یا مدل $PSTR$نمایی ($m=2$) خواهد بود. نتایج آزمون تشخیص در جدول ۷ نشان می‌دهد که خطی بودن مدل (فرض صفر) رد می‌شود؛ بنابراین رابطه آستانه‌ای اسلامیت محیط بر ثبات‌بخش بانکی در کشورهای موردبررسی وجود دارد و قاعدتاً برای برآورد پارامترهای مدل لازم است از روش PSTR استفاده شود.

جدول ۶: نتایج آزمون فرضیه خطی بودن مدل (آزمون BBC)

فرض صفر	آمارهF	سطح معناداری
آزمون والد	۱۴۵/۱۶	۰/۰۰۰۰
آزمون فیشر	۳۹/۴۸	۰/۰۰۰۰
آزمونLRT	۱۸۹/۸۵	۰/۰۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

همان‌گونه‌که در نتیجه آزمون انجام‌شده در جدول ۶ نیز مشهود است، فرضیه خطی بودن رابطه بین متغیرها مردود است؛ بنابراین احتمال وجود رابطه خطی بین متغیرها نفی می‌شود. همچنین گفتنی است که مدل (PSTR) پیشنهادی توسط متغیر انتقال انتخاب شده به‌عنوان مدل بهینه جهت برآورد مدل در کشورهای منتخب انتخاب می‌شود. برای این منظور، فرضیه صفر وجود الگوی $PSTR$ با یک تابع انتقال در مقابل فرضیه وجود الگوی $PSTR$ با حداقل دو تابع انتقال مورد آزمون قرار گرفته که نتایج آن در جدول ۷ ارائه شده است.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

جدول ۷: آزمون وجود رابطه غیرخطی باقیمانده

حالت وجود دو حد آستانه M=2			حالت وجود یک حد آستانه M=1		
LR	LMf	LMw	LR	LMf	LMw
۳/۱۰۲۵ (۰/۵۶۹۲)	۲/۳۵۲۱ (۰/۷۵۹۲)	۱/۱۸۲۵ (۰/۸۵۲۰)	۱/۱۵۲۵ (۰/۸۰۲۱)	۰/۵۵۱۰ (۰/۷۱۵۹)	۲/۳۵۲۱ (۰/۹۲۱۱)
H0: r=1, H1: r=2					

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج نشان می‌دهد که فرضیه صفر مبنی بر کفایت لحاظ نمودن یک تابع انتقال در هر دو حالت وجود یک و دو حد آستانه‌ای رد نشده است. بنابراین، یک تابع انتقال قادر به‌تصریح رفتار غیرخطی میان نقش آستانه‌ای اسلامیت محیط بر ثبات بانکی می‌باشد. با تأیید وجود رابطه غیرخطی میان متغیرها و کفایت نمودن یک تابع انتقال برای تصریح رفتار غیرخطی در ادامه باید حالت بهینه میان تابع انتقال با یک یا دو حد آستانه‌ای انتخاب شود. برای این منظور مدل PSTR متناظر با هریک از این حالت‌ها برآورد خواهد شد و از میان آنها براساس معیارهای مجموع مجذور باقی‌مانده‌ها، شوارتز و آکائیک مدلPSTR با لحاظ یک حد آستانه‌ای مدل بهینه است. ازاین‌رو یک مدل PSTR با یک تابع انتقال و یک حد آستانه‌ای برای بررسی رفتار غیرخطی میان متغیرهای موردمطالعه انتخاب می‌شود که نتایج حاصل از تخمین آنها در ادامه ارائه شده است:

جدول ۸: برآورد الگو به‌وسیله مدل PSTR

برآورد قسمت خطی مدل				
متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	احتمال
C	۰/۹۷	۰/۰۰۹	/۹۹7	۰/۰۰۰۰
Z−Score(-1)	۰/۸۹	۰/۰۹	۴/۳۴	۰/۰۰۰۰
IS	-۰/۰۵	۰/۲۳	-۲/۳۲	۰/۰۴۱۷
Size	۰/۰۸	۰/۵۸	۲/۸۵	۰/۰۳۹۸
Liquidity	-۰/۰۶	۰/۲۱	-۳/۹۵	۰/۰۰۰۱
Growth	۰/۲۱	۰/۱۱	۴/۲۵	۰/۰۰۰۰
DIV	-۰/۰۱	۰/۰۹	-۲/۵۹	۰/۰۴۹۲
GDP Growth	-۰/۲۳	۰/۱۲	-۲/۸۹	۰/۰۳۲۱
Inflation	۰/۰۹	۰/۳۲	۲/۹۸	۰/۰۱۵۱
برآورد قسمت غیرخطی مدل				
C	۰/۰۲	۰/۰۰۸	۲/۷۱	۰/۰۰۷۳
Z−Score(-1)	۱/۲۵	۰/۰۷	۴/۳۶	۰/۰۰۰۰
IS	-۰/۵۷	۰/۰۱	-۷/۴	۰/۰۰۰۰
Size	۰/۳۵	۰/۰۷	۴/۶۰	۰/۰۰۰۰

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

Liquidity	-۰/۴۲	۰/۰۲	-۵/۳۶	۰/۰۰۰۰
Growth	۰/۲۲	۰/۰۱	۳/۹۴	۰/۰۰۰۱
DIV	-۰/۰۶	۰/۰۲	-۳/۱۳	۰/۰۰۲۰
GDP Growth	-۰/۴۱	۰/۰۷	۴/۱۴	۰/۰۰۰۰
Inflation	-۰/۲۷	۰/۱۳	۴/۴۴	۰/۰۰۰۰
)حد آستانه‌ایC(	۶/۶۸	۰/۰۱	۴/۲۵	۰/۰۰۰۰
پارامتر شیب(γ)	۲/۱۵	۰/۰۲	۷/۳۶	۰/۰۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

طبق برآورد انجام‌شده، مشاهده می‌شود که مقدار آستانه‌ای که متغیر اسلامیت محیط برابر با ۶/۶۸ است. همچنین، مشاهده می‌شود در رژیم اول (زمانی که متغیر اسلامیت محیط IS کمتر از ۶/۶۸ می‌باشد)، متغیر اسلامیت محیط اثر منفی بر متغیر ریسک بانکی داشته است که مقدار ضریب برابر با ۰/۰۵ - با احتمال ۰/۰۰۰۰ می‌باشد؛ درحالی‌که در رژیم دوم (زمانی که متغیر اسلامیت محیط IS بیشتر از ۶/۶۸ می‌باشد)، متغیر اسلامیت محیط اثر منفی بر متغیر ریسک بانکی داشته است که مقدار ضریب برابر با ۰/۵۷ با احتمال ۰/۰۰۰ می‌باشد که بزرگ‌تر از میزان اثرگذاری متغیر اسلامیت محیط در رژیم اول می‌باشد. بنابراین، باتوجه‌به ضریب منفی متغیر اسلامیت محیط مشاهده می‌شود که افزایش اسلامیت محیط به کاهش ریسک بانکی و درنتیجه ثبات بانکی منجر شده است.

دیگر نتایج نشان می‌دهد که متغیرهای اندازه بانک، رشد دارایی‌های بانک و نرخ تورم اثرگذاری مثبت بر متغیر ریسک بانکی داشته و افزایش آنها به کاهش ثبات بانکی منجر می‌شود؛ درحالی‌که نقدینگی بانک، تنوع‌گرایی بانک و رشد اقتصادی اثرگذاری منفی بر متغیر ریسک بانکی داشته و افزایش آنها به افزایش ثبات بانکی منجر می‌شود. همچنین، مشاهده می‌شود با تغییر رژیم، میزان اثرگذاری متغیرهای کنترل افزایش پیدا کرده است. در ادامه، نتایج آزمون‌های فروض کلاسیک شامل آزمون‌های نرمالیتی، واریانس ناهمسانی، خودهمبستگی و همخطی ارائه می‌شود.

جدول ۹: آزمون نرمالیتی باقیمانده‌های تحقیق

آزمون	آماره جارک برا	احتمال
نرمالیتی	۲/۱۷	۰/۱۵۲۹

منبع: یافته‌های تحقیق

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

در آزمون نرمالیتی، فرض صفر بیان می‌کند که اجزای باقیمانده مدل رگرسیونی نرمال هستند. باتوجه‌به اینکه آماره جارک برا احتمال بالاتر از ۰/۰۵ دارد، نشان می‌دهد فرض صفر مبنی بر نرمال بودن اجزای باقیمانده مدل رگرسیونی تأیید می‌شود.

جدول ۱۰: آزمون والد همسان بودن واریانس‌ها

آماره آزمون	احتمال	نتیجه
۱۱/۲۱	۰/۴۲۵۲	عدم ناهمسانی واریانس

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج مندرج در جدول یادشده نشان می‌دهد که احتمال آماره محاسبه‌شده در آزمون والد تعدیل‌شده برای مدل پژوهش بزرگ‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد؛ ازاین‌رو فرضیه H_0 این آزمون مبنی بر همسان بودن واریانس رد نمی‌شود.

جدول ۱۱: آزمون وولدریج عدم خودهمبستگی باقیمانده‌ها

آماره آزمون	احتمال	نتیجه
۶/۱۴	۰/۴۴۲۵	عدم خودهمبستگی

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج مندرج در جدول یادشده نشان می‌دهد که احتمال آماره محاسبه‌شده در آزمون وولدریج برای مدل پژوهش بزرگ‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد؛ ازاین‌رو فرضیه H_0 این آزمون مبنی بر عدم خودهمبستگی باقیمانده‌ها رد نمی‌شود.

جدول ۱۲: آزمون هم خطی VIF متغیرهای مستقل

متغیر	VIFضریب
C	NA
Z−Score(-1)	۱/۱۴
IS	۲/۱۵
Size	۱/۱۷
Liquidity	۰/۴۶
Growth	۲/۳۱
DIV	۱/۳۳
GDP Growth	۱/۱۷
Inflation	۰/۹۹

منبع: یافته‌های تحقیق

باتوجه‌به یافته‌های مندرج در جدول یادشده، ازآنجاکه وی آی اف ضرایب مدل‌های برآورد شده کوچک‌تر از عدد ۱۰ می‌باشد، بنابراین نتیجه می‌شود که میزان هم‌خطی در بین متغیرهای توضیحی در حد مطلوب است.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۵. بحث و نتیجه‌گیری

برای روشن کردن بیشتر تأثیر اسلامیت محیط بر ثبات بانک‌های اسلامی، از روش رگرسیون آستانه‌ای ملایم PSTR و با در نظر گرفتن داده‌های بانکی ۱۵ کشور اسلامی استفاده شده است. ضرایب مربوط به عبارات اسلامیت محیط در هر دو رژیم منفی و معنادار بوده است. این یافته نشان می‌دهد درجه اسلامیت، که توسط شاخص کلی اسلامیت و اجزای زیرشاخص‌های آن به دست می‌آید، تأثیری منفی بر ریسک‌پذیری بانک‌های موردبررسی داشته و به‌دیگرسخن، افزایش اسلامیت محیط در کشورهای موردبررسی، می‌تواند به ثبات بانک‌های منطبق با شرع منجر شود. این نتیجه‌گیری با یافته‌های چونگ و لیو[1] (۲۰۰۹) مطابقت دارد که تأیید می‌کنند که شیوه‌های مدل تقسیم سود-زیان بانکداری اسلامی تفاوت قابل‌توجهی با بانکداری مرسوم دارد. همچنین، نتایج تحقیق حاضر با یافته‌های بکتاس و همکاران[2] (۲۰۲۲) مطابقت دارد که نشان می‌دهد جهت‌گیری مذهبی تأثیر معناداری بر ثبات بانک در سیستم بانکداری اسلامی دارد. بکتاس و همکاران (۲۰۲۲) نشان می‌دهند که نظام حقوقی مبتنی بر شریعت یا فعالیت در یک کشور با اکثریت افراد مسلمان تأثیر قابل‌توجهی بر ثبات بانک‌های اسلامی دارد.

نتیجه‌گیری تحقیق حاضر دو نکته را مشخص می‌کند: اول، هرچند عملیات بانک‌های اسلامی ممکن است کاملاً با چارچوب شرعی مقاصد شریعت و الفلاح سازگار نباشد؛ زیرا بانک‌های اسلامی در محیطی تحت سلطه شرایط متعارف فعالیت و با بانک‌های متعارف رقابت می‌کنند و مجبورند با تکیه‌بر پارامترهای متعارف وارد بازار نهاده و ستانده شده و قیمت‌ها و کارمزدهای خود را تعیین کنند، اما همین سطح از اسلامیت نیز توانسته تأثیر مثبتی بر افزایش ثبات بانک‌های اسلامی داشته باشد؛ ثانیاً، اگرچه سنجش میزان سازگاری محیط با مبانی شرعی ممکن است معیار کاملی برای دریافت سطح اسلامی بودن محیط نباشد، اما این نتیجه ممکن می‌تواند به‌عنوان نقطه اتکای قابل‌توجهی برای این ادعا باشد که بانک‌های اسلامی درصورتی‌که محیطی که در آن فعالیت می‌کنند مطابق با شریعت باشد، ممکن است عملکرد بهتری داشته و درنتیجه ثبات بالاتری داشته باشند.

نتایج تحقیق حاضر می‌تواند پیامدهایی را برای سیاست‌گذاران و پژوهشگران علاقه‌مند دراین حیطه تحقیقاتی داشته باشد. قانون‌گذاران و ناظران باید در شرایط عملکرد بانک‌های اسلامی به‌ویژه در کشورهای دارای سیستم بانکی دوگانه تجدیدنظر کنند؛ زیرا در صورت وجود شرایط

1 Chong and Liu
2 Bektas et al

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

نابرابر، بانک‌های اسلامی ممکن است به شیوه‌ای کاملاً اسلامی عمل نکنند تا ویژگی‌های ثبات خود را از بانک‌های معمولی متمایز کنند. درنهایت، این یک حوزه مطالعه پیچیده است که نیازمند بررسی دقیق معیارهای دینداری است که می‌تواند بر عملکرد و ثبات بانک‌ها در کشورها تأثیر بگذارد. انجام تحقیق دراین رابطه نیاز به توسعه شاخص‌های قوی‌تر برای درجه دینداری و اسلامیت محیط برای تحقیقات آینده را نشان می‌دهد. اتکا به خوداظهاری باورهای مذهبی مشتریان ممکن است یک شاخص قوی برای اسلامی بودن یک محیط نباشد.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

منابع

1. Sarker, A. A. (1999). Islamic banking in Bangladesh: performance, problems, and prospects. Int. *J. Islamic Fin. Services*, 1 (3), 15–36
2. Maslow, A.H. (1943). A theory of human motivation. *Psychol. Rev.*, 50, 370–396.
3. Ahmad (1993). Contemporary Practices of Islamic Financing Techniques.
4. Adhikari, B.K., Agrawal, A. (2016). Does local religiosity matter for bank risk–taking?. *J. Corp. Finance*, 38 (C), 272–293.
5. Chong, B.S., Liu, M.–H. (2009). Islamic banking: interest–free or interest–based?. *Pac. Basin Finance J.*, 17 (1), 125–144.
6. Bourgain, P., Pieretti, S. Zanaj (2012). Financial openness, disclosure and bank risk–taking in MENA countries. *Emerg. Mark. Rev.*, 13 (3), 283–300.
7. El–Hawary, D., Grais, W., Iqbal, Z. (2004). Regulating Islamic Financial Institutions: the Nature of the Regulated. Policy Research, *Working Paper, No. 3227*.
8. Alqahtani, F., Mayes, D.G., Brown, K. (2016). Economic turmoil and islamic banking: evidence from the Gulf cooperation Council. Pac. *Basin Finance J.*, 39 , 44–56.
9. Khan, F. (2010). How 'islamic' is islamic banking?. *J. Econ. Behav. Organ.*, 76 (3) , 805–820.
10. Hilary, G., Hui, K.W. (2009). Does religion matter in corporate decision making in America?. *J. Financ. Econ.*, 93 (3), 455–473
11. Kader, H. (2021). Human well–being, morality and the economy: an islamic perspective. *Islam Econ. Stud.*, 28 (2), 102–123.
12. Tajfel, H. (1978). The achievement of inter–group differentiation, H. Tajfel (Ed.), Differentiation between Social Groups. Academic Press, London, 77–100.
13. Mohammadkhan, Hossein, H. (2016). The indices and their formulation, Islamicity Indices: the Seed for Change. Palgrave Macmillan, New York, 25–33.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

14. Wu, J., Chen, L., Chen, M., Jeon, B.N. (2020). Diversification, efficiency and risk of banks: evidence from emerging economies. Emerg. Mark. Rev., 45, T.P. Finance, Clement Henry, Rodney Wilson (Eds.), The Murabaha Syndrome in Islamic Finance: Laws, Institutions and Politics, Edinburgh University Press, Edinburgh, 63−80.
15. Bourkhis, K., Nabi, M.S. (2013). Islamic and conventional banks' soundness during the 2007–2008 financial crisis. *Rev. Financ. Econ.*, 22 (2), 68−77.
16. Li, K., Griffin, D., Yue, H., Zhao, L. (2013). How does culture influence corporate risk−taking?. *J. Corp. Finance*, 23 (C) , 1−22.
17. Schaeck, K., Čihák, M. (2014). Competition, efficiency and stability in banking. *Financ, Manag.*, 43 (1), 215−241.
18. Kanagaretnam, K.G., Lobo, G.J., Wang, C., Whalen, D.J. (2015). Religiosity and risk−taking in international banking. *J. Behav. Exp. Fin.*, 7 (C) , 42−59.
19. Baele, L., Farooq, M., Ongena, S. (2014). Of religion and redemption: evidence from default on Islamic loans. *J. Bank. Finance*, 44 (1), 141−159.
20. Mejía, López, Aljabrin, S., Awad, R., Norat, M., Inwon, Song, (2014). Regulation and Supervision of Islamic banks. *IMF Working Paper WP/14/219*, International Monetary Fund, Monetary and Capital Markets Department, Washington, DC.
21. Ali, M., Azmi, W. (2016). Religion in the boardroom and its impact on Islamic banks' performance. *Rev. Financ. Econ.*, 31 (C), 83−88.
22. Asutay, M. (2007). A political economy approach to Islamic economics: systemic understanding for an alternative economic system. Kyoto Bull. *Islamic Area Stud.*, 1(2), 3−18.
23. Bitar, M., Pakthuanthong, K., Walker, T.J. (2020). Efficiency in Islamic vs. Conventional banking: the role of capital and liquidity. *Global Finance J.*, 46.
24. Cihak, M., Hesse, H. (2010). Islamic banks and financial stability: an empirical analysis. *J. Financ. Serv. Res.*, 38 (2), 95−113.
25. Iqbal, M., Molyneux, P. (2005). Thirty Years of Islamic Banking: History, Performance and Prospects. Palgrave Macmillan.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

26. M.A.−T. Ibn Ashur (2016). Ibn Ashur: Treatise on Maqasid Al−Shariah, International Institute of Islamic Thought (IIIT).
27. Miah, M.D., Suzuki, Y. (2020). Murabaha syndrome of Islamic banks: a paradox or product of the system?. *J. Islamic Account. Bus. Res.*, 11(7), 1363−1378.
28. Siddiqi, M.F., Shafiullah Jan, K. Ullah (2019). Maqasid al Shariah and stakeholders' wellbeing in islamic banks: a proposed framework. *Bus. Econ. Rev.*, 11(1), 83−102.
29. Bilgin, M.H., Danisman, G.O., Demir, E., Tarazi, A. (2021). Economic uncertainty and bank stability: conventional vs Islamic banking. *J. Financ. Stabil.*, 56.
30. Ibrahim, M.H., Rizvi, S.A. (2018). Bank lending, deposits and risk−taking in times of crisis: a panel analysis of Islamic and conventional banks. *Emerg. Mark. Rev.*, 35 (C), 31−47.
31. Ahamed, M.M., Mallick, S.K. (2019). Is financial inclusion good for bank stability? International evidence. *J. Econ. Behav. Organ.*, 157, 403−427.
32. Kabir, M.N., Worthington, A.C. (2017). The 'competition–stability/fragility' nexus: a comparative analysis of Islamic and conventional banks. *Int. Rev. Financ. Anal*. 111−128.
33. Ishak, M.S., Asni, F. (2020). The role of maqasid al−Shariʿah in applying fiqh muamalat into modern Islamic banking in Malaysia. *J. Islamic Account. Bus. Res.*, 11 (10), 2137−2154.
34. Majeed, M.T., Zainab, A. (2017). How islamic is islamic banking in Pakistan?. *Int. J. Islam. Middle E Finance Manag.*, 10(4) , 470−483.
35. Abdulle, M.Y., Kassim, S.H. (2012). Impact of global financial crisis on the performance of Islamic and conventional banks: empirical evidence from Malaysia. *J. Islamic Econom. Banking Fin.*, 8 (4), 9−20.
36. Mirzaei, I. Aguir (2020). Capital inflows and bank stability around the financial crisis: the mitigating role of macro−prudential policies. *J. Int. Financ. Mark. Inst. Money*, 69.
37. Boubakri, N.M. (2013). Political institutions, connectedness, and corporate risk−taking. *J. Int. Bus. Stud.*, 44 (3), 195−215.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

38. Abedifar, P. Molyneux, P. Tarazi, A. (2013). Risk in islamic banking. *Rev. Finance*, 17 (6), 2035−2096.
39. Abedifar, P., Ebrahim, S.M., Molyneux, P., Tarazi, A. (2015). Islamic banking and finance: recent empirical literature and directions for future research. *J. Econ. Surv.*, 29(4), 637−670.
40. Bhowmik, P.K., Sarker, N. (2021). Loan growth and bank risk: empirical evidence from SAARC countries. *Helyon*, 7 (5), Article e07036.
41. Powers, P.R. (2004). Interiors, intentions and the spirituality of Islamic ritual practice. *J. Am. Acad. Relig.*, 72 (2), 425−459.
42. Rohman, P.S., Fianto, B.A., Shah, S.A. Kayani, U.N., Suprayogi, N., Supriani, I. (2021). A review on literature of Islamic microfinance from 2010−2020: lesson for practitioners and future directions. *Helyon*, 7 (12), Article e08549.
43. Haniffa, R., Hudaib, M. (2007). Exploring the ethical identity of Islamic banks via communication in annual reports. *J. Bus. Ethics*, 76, 97−116, View article.
44. Bushman, R.M., Piotroski, J.D., Smith, A.J. (2004). What determines corporate transparency?. *J. Account. Res.*, 42 (2), 207–252.
45. Abbadi, R.T., Silva, F. (2020). Do Islamic fundamental weighted indices outperform their conventional counterparts? An empirical investigation during the crises in the MENA region. *Eurasian Econom. Rev*.
46. Azmat, S., Azad, S.A., Bhatti, I., Ghaffar, H. (2020). Islamic banking, costly religiosity, and competition. *J. Financ. Res.*, 43(2), 263−303.
47. Khomsatun, S., Rossieta, H., Fitriany, F., Nasution, M.E. (2021). Sharia disclosure, Sharia supervisory board and the moderating effect of regulatory framework: the impact on soundness of Islamic banking, W.A. Barnett, B.S. Sergi (Eds.), Recent Developments in Asian Economics International Symposia in Economic Theory and Econometrics. Emerald Publishing Limited, Bingley, 291−321.
48. Mollah, S., Zaman, M. (2015). Shari'ah supervision, corporate governance and performance: conventional vs Islamic banks. *J. Bank. Finance*, 58, 418−435.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

49. Nechi, S., Smaoui, H.E. (2019). Interbank offered rates in Islamic countries: is the Islamic benchmark different from the conventional benchmarks?. *Q. Rev. Econ. Finance*, 74 (C), 75−84.
50. Rizvi, S.A., Narayan, K.P., Sakti, A. Syarifyddin, F. (2020). Role of Islamic banks in Indonesian banking industry: an empirical exploration. *Pac. Basin Finance J.*, 62.
51. Siddiqui, S.H. (2001). Islamic banking: true modes of financing. *New Horizon*, 109 (2), 15−20.
52. Saeed, S.M., Abdeljawad, I., Hassan, M.K., Rashid, M. (2021). Dependency of Islamic bank rates on conventional rates in a dual banking system: a trade−off between religious and economic fundamentals. *Int. Rev. Econ. Finance*.
53. McGuire, S.T. , Omer, T.C., Sharp, N.Y. (2012). The impact of religion on financial reporting irregularities. *Account. Rev.*, 87 (2), 645−673.
54. Beck, T., Demirguc−Kunt, A., Merrouche, O. (2013). Islamic vs conventional banking: business model, efficiency, and stability. *J. Bank. Finance*, 37, 433−447.
55. Kuran, T. (1993). The economic impact of islamic fundamentalism M.E. Marty, S. Appleby (Eds.), Fundamentalisms and the State: Remaking Polities, Economies, and Militance. University of Chicago Press, Chicago, 302−341.
56. Shu, T., Sulaem, J., Yeung, P.E. (2012). Local religious beliefs and mutual fund risk−taking behaviors. *Manag. Sci.*, 58 (10), 1779−1796.
57. Sundararajan, V., Errico L. (2002). Islamic financial institutions and products in the global financial system: key issues in risk management and challenges ahead. *IMF Working* , Paper No. 02/192.
58. Grais, W., Pellegrini, M. (2006). Corporate Governance in Institutions Offering Islamic Financial Services: Issues and Options. *World Bank Publications*, Working Paper No. 4052.
59. Wasiaturrahma, R. Sukmana, S.R. Ajjia, S.C. Salama, A. Hudaifah (2020). Financial performance of rural banks in Indonesia: a two−stage DEA approach. *Helyon*, 6 (7), Article e04390.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

60. Mohd, Y.Z., Azha, N.L. (2019). Relationship between conventional and Islamic interbank rates of a dual banking system in Malaysia, Middle East, and Western countries. *J. Int. Bus. Econom. Entrepreneur.*, 4 (2), 38−45.
61. Abdul−Baki, Z., Uthman, A.B. (2017). Exploring the "social failures" of Islamic banks: a historical dialectics analysis. *J. Islamic Account. Bus. Res.*, 8(3), 250−271.
62. Alwi, Z., Parmitasari, R.D., Syariati, A. (2021). An assessment on Islamic banking ethics through some salient points in the prophetic tradition. *Helyon*, 7(5), Article e07103.
63. Khomsatun, S., Rossieta, H., Fitriany, F., Nasution, M.E., (2021). Sharia disclosure, Sharia supervisory board and the moderating effect of regulatory framework: the impact on soundness of Islamic banking. In: Barnett, W.A., Sergi, B.S. (Eds.), Recent Developments in Asian Economics International Symposia in Economic Theory and Econometrics. Emerald Publishing Limited, Bingley, pp. 291321.
64. Rehman, S.S., Askari, H., (2010). An economic islamicity index. Global Econ. J. 10 (3). Retrieved from. https://hossein-askari.com/wordpress/wp-content/uploads/islamicity-index.pdf.
65. Bektas, E., Elbadri, M., Molyneux, P., (2022). Do institutions, religion and the economic cycle impact bank stability in dual banking systems? J. Int. Financ. Manag. Account.
66. Yousef, T.M., (2004). In: Finance, T.P., Henry, Clement, Wilson, Rodney (Eds.), The Murabaha Syndrome in Islamic Finance: Laws, Institutions and Politics. Edinburgh University Press, Edinburgh, pp. 6380.
67. Alqahtani, F., Mayes, D.G., Brown, K., (2016). Economic turmoil and islamic banking: evidence from the Gulf cooperation Council. Pac. Basin Finance J. 39, 4456.
68. Islam, G., (2014). Social identity theory. In: Teo, T. (Ed.), Encyclopedia of Critical Psychology. Springer, New York.
69. Abderazak, B.,, Teheni E., Mohammad, A., (2023). Exploring the social failuresof Islamic banks: a historical dialectics analysis. J. Islamic Account. Bus. Res. 8 (3), 250271.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

70. Askari, H., (2019). Islamicity indices: a moral compass for reform and effective institutions. Int. J. Islamic Econom. 1 (1), 129.

71. Bektas, E., Elbadri, M., Molyneux, P., (2022). Do institutions, religion and the economic cycle impact bank stability in dual banking systems? J. Int. Financ. Manag. Account.

Archive of SID.ir